

نقش بنو حارث و بنو محارب در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین

کتاب ابراهیم رضایی کلیری / دانش پژوه سطح ۴ شیعه‌شناسی مرکز تخصصی شیعه‌شناسی حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی و پژوهشگر


مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار

e.r181359@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-9157-4189

سیدمحمد سلطانی / دکترای تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم و پژوهشگر مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار

s.mohammad.soltani@gmail.com

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

چکیده

پس از رحلت رسول خدا ﷺ نخستین الگوی انتخاب خلیفه بدون تکیه بر نصّ الهی پدیدار شد. دست‌اندرکاران این حوادث با مشکلات و مخالفت‌های فراوانی روبه‌رو بوده و برای تثبیت آن، به قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی قریش نیاز داشتند. با توجه به قرابت دو بطن بنو محارب و بنو حارث، بررسی ابعاد تأثیرگذاری آنان در این حوادث، نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است. نوشتار پیش‌رو با تکیه بر منابع کهن تاریخی - حدیثی شیعه و اهل سنت، و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال تبیین ابعاد گوناگون این تأثیرات است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این دو بطن به سبب شرایط زندگی در بیابان‌های اطراف مکه از روحیه جنگاوری و توان نظامی بالایی برخوردار بودند. جمعیت زیاد، پیوندهای نسبی متعدد با قبایل تیم و عدی، نزدیکی عقیدتی و دوستی دیرینه برخی از آنان با عمر و ابوبکر، و فقدان روابط مستحکم با بنی‌هاشم، زمینه مناسبی برای نقش‌آفرینی نظامی و سیاسی این دو بطن فراهم آورد. اما وضعیت اقتصادی، علمی و فرهنگی آنان به گونه‌ای نبود که در ابعاد اقتصادی و فرهنگی مسئله جانشینی، ایفای نقش داشته باشند. آنان عمدتاً سربازان و فرماندهان نظامی قدرتمندی بودند که غیرمستقیم در بعد اقتصادی به حاکمیت خلفای نخستین کمک می‌کردند. اموی‌گرایی حکومت عثمان و ثبات سیاسی نسبی در سال‌های نخست این دوره، از نقش‌آفرینی بنو حارث و بنو محارب کاست. پس از قتل عثمان، حضور سیاسی آنان دوباره احیا شد، اما این بار آنان در مقابل جریان حاکم قرار گرفتند و در ابعاد سیاسی و نظامی، کمک فراوانی به معاویه کردند.

کلیدواژه‌ها: بنو حارث، بنو محارب، قریش، آل فهر، جانشینی پیامبر اکرم ﷺ.

مهم‌ترین مسئله امت اسلام پس از رحلت رسول خدا ﷺ مسئله جانشینی آن حضرت بود. به باور شیعیان، در حالی که رسول خدا ﷺ جانشین خود را در زمان‌های متعدد و به مناسبت‌های گوناگون معرفی کرده بود، خیلی زود این وصیت کنار گذاشته شد و خلافت رسول خدا ﷺ به مسیری دیگر جهت‌دهی گردید. ایجاد، تثبیت و توسعه این الگوی جدید حکمرانی کار آسانی نبود و به کارگیری مؤلفه‌های فراوان اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی را طلب می‌کرد. در این میان نقش قبیله قریش از اهمیت بسزایی برخوردار است.

همه قرشیان از آل فِهر هستند^۱ فِهر سه فرزند به نام‌های غالب، حارث و مُحارب داشت. تحقیقات نگارندگان نشان می‌دهد که نگاهشده‌های نسب‌شناسی، وصف «الفِهری» را برای تمام افراد منسوب به حارث و مُحارب ذکر کرده‌اند، در حالی که تنها در موارد اندکی این وصف برای افراد سایر بطون قریش دیده می‌شود. بنابراین کاملاً موجه است اگر این وصف را عنوان ویژه‌ای برای این دو بطن دانسته و در نتیجه، در مواردی که تنها این وصف برای شخصی ذکر شده و شاهد دیگری بر تعیین دقیق نسب وی وجود نداشته باشد، او را منسوب به یکی از دو بطن بنوحارث یا بنومُحارب بدانیم.

از حارث و مُحارب هیچ بطن مشهوری شکل نگرفته است و نسل آنها را به نام بنوحارث و بنومُحارب می‌شناسند، اما نسل غالب بسیار گسترده است و بیشتر بطون قریش منسوب به او هستند.^۲ بنابراین، برای بررسی نقش قریش در هر مسئله‌ای، شایسته است نقش این دو بطن در کنار سایر بطون منشعب از بنو غالب در نظر گرفته شود. افزون بر این، ویژگی‌های جغرافیایی، شرایط فرهنگی و خصلت‌های مشترک این دو بطن با یکدیگر چنان وحدتی میان آنان ایجاد کرده است که بررسی کنشگری آنان در صحنه تاریخ صدر اسلام به‌مثابه یک مجموعه ضروری به نظر می‌رسد.

گرچه تحقیقات تاریخی فراوانی درباره مسئله جانشینی نخستین انجام شده، اما تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی نقش بنوحارث و بنومُحارب در این‌باره اختصاص نیافته است. نزدیک‌ترین پژوهش به موضوع این نوشتار مقاله ذیل است: «بررسی مقایسه‌ای نقش دو تیره بنوفِهر در تحولات صدر اسلام، با تکیه بر عملکرد صحابیانشان»، از رضا کردی (۱۳۹۳). این مقاله با بررسی شخصیت‌های بنومُحارب و بنوحارث به دنبال توصیف نقش این دو تیره و مقایسه آن دو در تحولات صدر اسلام - به‌طور کلی - بوده و مسئله جانشینی موضوع محوری آن نبوده است.

از این‌رو میان ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی و غیر آن تفکیکی صورت نپذیرفته، شخصیت‌های مؤثر در این مسئله به‌طور کامل برشمردن نشده، دوره‌های خلافت نخستین به‌طور جداگانه بررسی نگردیده و بیان چگونگی و چرایی نقش‌آفرینی‌های اثباتی و سلبی آنان در مسئله جانشینی در این مقاله جایی نداشته است.

۱. خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۱۵۷؛ عبدالکریم‌پن محمد سمعانی، الانساب، ج ۱۰، ص ۲۶۸.

۲. عبدالکریم‌پن محمد سمعانی، الانساب، ج ۱۰، ص ۱۶۸.

بنابراین، نوشتار پیش‌رو برای نخستین بار به بررسی ابعاد گوناگون نقش‌آفرینی این دو بطن در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین می‌پردازد و تلاش دارد در حد امکان براساس گزارش‌های به‌جامانده، افزون بر توصیف، تبیین مناسبی از جنبه‌های گوناگون این نقش‌آفرینی - به‌صورت اثباتی و سلیبی - ارائه دهد.

پژوهش پیش‌رو با تکیه بر منابع کهن شیعه و اهل سنت، با استخراج اسامی افراد این دو قبیله و تحقیق درباره زندگی و عملکرد آنان و با بهره‌گیری از روش «توصیفی - تحلیلی» به دنبال پاسخ به این پرسش است که بنو محارب و بنو حارث در ابعاد گوناگون اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی چه نقشی در شکل‌گیری، تثبیت و توسعه جانشینی خلفای نخستین، پس از رحلت رسول خدا ﷺ داشتند؟

۱. بنو حارث و بنو محارب از جاهلیت تا دوره نبوی

پس از اقدامات قُصَی در اسکان بخشی از قریش در اطراف کعبه، قریش به دو دسته «ظواهر» و «بطاح» تقسیم شدند. بطن‌هایی که در کنار کعبه سُنْکَا گزیدند «قریشِ بطاح» خوانده می‌شوند، و سایر بطن‌ها که سکونت در بیابان‌های اطراف مکه را ترجیح دادند، «قریشِ ظواهر» نام گرفتند. بنو عبدمناف، بنو عبدالمطلب و بنو مخزوم از مهم‌ترین بطن‌های قریشِ بطاح، و بنو حارث، بنو محارب، بنو تَمِیمِ الأدرم و بنو قیس از مشهورترین بطن‌های قریشِ ظواهر هستند.^۱

ریاست بنو حارث را ابو عبیده جراح، و ریاست بنو محارب را ضراب بن خطاب بن مرداس بر عهده داشتند^۲ و در جنگ‌های فجار نیز آنان این دو بطن را رهبری می‌کردند.^۳

زندگی بیابان‌نشین، در معرض هجوم و غارت سایر قبایل بودن، و دوری از فرهنگ و تمدن شهری سبب نابسامانی اوضاع اقتصادی و پایین بودن سطح علمی و فرهنگی قریشِ ظواهر بود. از این‌رو افراد این بطن‌ها که بنو حارث و بنو محارب نیز از آنان هستند، نه پیش از اسلام و نه در دوره اسلامی در ابعاد اقتصادی، علمی و فرهنگی نقش‌چندانی نداشتند و شخصیت مهمی از میان آنان ظهور نکرده است،^۴ اما روحیه و قدرت جنگاوری ناشی از شرایط خاص این نوع زندگی، خود را در حضور فعال بنو محارب در جنگ‌های فجار،^۵ کشتار خونین بنو مخزوم در منطقه رَدَم^۶ و غارت‌های بی‌امان سایر قبایل توسط آنان^۷ نمایان ساخته است.

۱. عمر رضا کحاله، الاعلام، ج ۳، ص ۹۴۸؛ عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲. محمد بن حبیب بغدادی، المعبر، ص ۳۳۲.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۸۸؛ محمد بن حبیب بغدادی، المعبر، ص ۱۷۱.

۴. مونتگمری وات، محمد فی مکه، ص ۱۸۳.

۵. یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۲، ص ۷۴۸.

۶. عمر رضا کحاله، الاعلام، ج ۳، ص ۱۰۴۳.

۷. قاسم بن سلام ابو عبیده، النسب، ج ۱، ص ۲۵۱.

با ظهور اسلام نیز این دو قبیله حضور فعالی در جنگ‌ها داشتند. از ۱۸ صحابی بنو حارث ۱۲ تن به جنگاوری مشهور بودند و از این تعداد ۱۰ تن در بدر حضور داشتند.^۱

مقایسه شمار اسامی ذکر شده از بطون قریش نشان می‌دهد بنو حارث را باید از بطون پرجمعیت، و بنومُحارب را از بطون کم‌جمعیت قریش دانست. در جدول زیر جمعیت قبایل مشهور مکه براساس نام‌های افرادی که مصعب زبیری از این قبایل از زمان فُهر تا زمان پیامبر ﷺ آورده و جایگاه دو بطن بنو حارث و بنومُحارب نشان داده شده است.

جدول ۱: شمار اسامی ذکر شده از قبایل قریش در کتاب «نسب قریش»^۲

بطن	مخزوم	امیه	عمر	عدی	حارث	جمع	سهم	عبدالدار	اسد	زهره	تیم	مطلب	مُحارب	نوفل
تعداد	۱۸۷	۱۷۰	۱۶۱	۱۲۱	۱۰۷	۸۴	۷۲	۶۶	۶۳	۴۱	۳۹	۳۵	۳۴	۲۶

پس از بعثت، بنو حارث برخلاف بنومُحارب نسبت به دعوت پیامبر ﷺ واکنش بهتری نشان داد و به آن گرایش پیدا کرد. براساس گزارش‌های موجود، از ۱۸ تنی از بنو حارث که اسلام آوردند، ۱۳ تن قبل از هجرت ایمان آوردند که نیمی از آنان در زمره مهاجران هستند. اما از ۱۳ بنومُحاربی که ایمان آوردند فقط دو تنشان پیش از هجرت اسلام آوردند.^۳ تعداد افراد مسلمان شده از این دو بطن ۳۴ تن ذکر شده که ۱۸ تن از بنو حارث، ۱۳ تن از بنومُحارب و سه تن بدون تعیین نسبت هستند.^۴ البته جمعیت سه برابری بنو حارث (ر.ک: جدول ۱) تا حدی این اختلاف را توجیه می‌کند.

این افراد در دوره نبوی در هجرت و جنگ‌های صدر اسلام شرکت کردند و برخی نیز شهید شدند.^۵ البته در میان آنان افرادی نیز بودند که از ابتدا به دشمنی با پیامبر اکرم ﷺ پرداختند.^۶

۲. نقش بنو حارث و بنومُحارب در خلافت ابوبکر (۱۳-۱۱ هجری)

به خلافت رسیدن ابوبکر نقطه عطفی در تاریخ صدر اسلام است؛ زیرا نخستین الگوی انتخاب خلیفه بدون تکیه بر نصّ الهی پیاده‌سازی گردید. شکل‌گیری و تثبیت این الگو نیاز جدی به مؤلفه‌های قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی داشت. در ادامه، نقش دو قبیله بنو حارث و بنومُحارب در تأمین این مؤلفه‌ها در رخداد‌های مهم این دوره بررسی گردیده است.

۱. رضا کردی، «بررسی مقایسه‌ای نقش دو تیره بنی فُهر در تحولات صدر اسلام (با تکیه بر عملکرد صحابیانشان)»، ص ۱۴.
۲. مصطفی پیرمردیان و مهدی عزتی، «ساکنان مکه (تأملی بر چگونگی ساکنان مکه و میزان جمعیت قریش در آستانه ظهور اسلام)»، ص ۱۲۸.
۳. همان.
۴. همان.
۵. برای نمونه، صفوان بن بیضاء، ر.ک: علی بن حسن بن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۷۸؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۲۶.
۶. برای نمونه، ر.ک: شرح‌حال ضرار بن خطاب در: یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۴۸؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۹۷؛ شرح‌حال کرز بن جابر در: محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲-۱. سقیفه و شکل‌گیری الگوی جانشینی انتخابی

مخالفت قریش با جانشینی حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام از همان دوره زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله شکل گرفت^۱ و نقش بنو حارث و بنو محارب در این زمینه قابل توجه است. برخی منابع شیعی نقش آفرینی ابو عبیده جراح از قبیله بنو حارث در روز سقیفه را در واقع، تحقق این برنامه از پیش تعیین شده دانسته‌اند.^۲

از امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده است که «فلانی، فلانی، فلانی، ابو عبیده جراح و سالم اینجا [در کعبه] نشستند و عهد کردند پس از رحلت پیامبر اجازه ندهند حکومت به اهل بیت برسد».^۳

حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز شأن نزول آیه «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ...» (مجادله: ۷) را همین ماجرا می‌داند.^۴ بنابراین عجیب نیست اگر نام ابو عبیده را در زمره افرادی ببینیم که در خیمه منافقان در روز «غدیر» جمع شده بودند و زمانی که دیدند پیامبر دست حضرت علی علیه السلام را بالا برد، گفتند: «به چشم‌های پیامبر نگاه کنید! مثل چشم‌های دیوانه‌هاست!»^۵

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله این مخالفت شکل علنی‌تری به خود گرفت. با مرور گزارش‌های ماجرای روز سقیفه، نقش محوری افرادی از بنو حارث و بنو محارب را می‌توان به روشنی ردیابی کرد. برای مثال، مهم‌ترین شخصیت را باید ابو عبیده دانست. هنگامی که عمر و ابو بکر با شنیدن گرد آمدن انصار در سقیفه بنی ساعده به سوی آنان حرکت می‌کردند، ابو عبیده به آن دو ملحق شد.^۶

گفته می‌شود: ابو عبیده با استناد به همراهی ابو بکر با رسول خدا صلی الله علیه و آله در هجرت به مدینه و نماز خواندن او به جای پیامبر صلی الله علیه و آله در روزهای بیماری حضرت، مردم را برای بیعت با او تشویق می‌کرد^۷ و با سخنرانی در جمع انصار از آنان می‌خواست اولین کسانی نباشند که در دین خدا بدعت می‌نهند.^۸ بنابراین طبیعی است که خود او نیز از نخستین بیعت‌کنندگان با ابو بکر بر شمرده شده است.^۹

افزون بر این، برخی نگاشته‌ها به تلاش ابو عبیده برای راضی کردن امام علی علیه السلام به بیعت با ابو بکر^{۱۰} و نیز تلاش برای قطع حمایت عباس بن عبدالمطلب از امام علی علیه السلام،^{۱۱} شهادت به احادیث دروغین منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر عدم اجتماع نبوت و امامت در خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۱۲} و نسخ امر جانشینی حضرت علی علیه السلام،^{۱۳} اشاره کرده‌اند.

۱. ر.ک: حسین مونس، تاریخ قریش؛ علی کورانی، صراع قریش مع النبی صلی الله علیه و آله.
۲. سلیم‌بن قیس الهمدانی، کتاب سلیم‌بن قیس، ص ۱۵۴؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۶.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۴۵.
۴. همان، ج ۸، ص ۱۷۹.
۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۶۶؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۱.
۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۷.
۷. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۲.
۸. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۳.
۹. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۴۳؛ احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۳.
۱۰. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۶؛ عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۲.
۱۱. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ احمد بن داود دینوری، الأخبار الطوال، ج ۱، ص ۲۱.
۱۲. سلیم‌بن قیس الهمدانی، کتاب سلیم‌بن قیس، ص ۱۵۴؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۶.
۱۳. سلیم‌بن قیس الهمدانی، کتاب سلیم‌بن قیس، ص ۱۵۳.

در گزارش‌های تاریخی ماجرای سقیفه، ابو عبیده جراح به همراه ده نیروی رزمی مسلح از قبیله خود، ابوبکر را به مسجد برد و بر منبر نشاند و مردم را به زور شمشیر مجبور به بیعت کردند.^۱ به احتمال قوی این نیروهای نظامی در ادامه جریان بیعت گرفتن برای ابوبکر نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند؛ چنان‌که ابو عبیده در جریان بیعت گرفتن از امام علی علیه السلام در مسجد، از جمله محافظان ابوبکر شمرده شده است.^۲

گزارش‌هایی از اعتراض یک مرد فهّری به اعلان ولایت امام علی علیه السلام در غدیر و فرود آمدن عذاب الهی بر وی نیز وجود دارد.^۳

۲-۲. جنگ‌های رده

یکی از مشکلات ابوبکر سرپیچی قبایل متعددی از حاکمیت وی بود. افزون بر این، عدم پرداخت زکات توسط آنان ضربه اقتصادی شدیدی به دنبال داشت.^۴ به‌طور طبیعی شخصیت‌هایی که در به‌قدرت رسیدن ابوبکر تأثیرگذار بودند، این تهدید سیاسی و اقتصادی را برناتافتند؛ برخی از آنان در جنگ با این قبایل - که به جنگ‌های «رده» شهرت یافته است - حضوری فعال یافتند. با این حال، فقدان گزارش‌هایی از حضور این دو بطن در جنگ‌های رده حکایت از آن دارد که هنوز این دو بطن در مقایسه با سایر بطون قریش، از اهمیت کمتری برای حاکمیت جدید برخوردار بودند و احتمالاً در این جنگ‌ها بیشتر به‌عنوان سرباز - و نه فرمانده - ایفای نقش داشته‌اند.

۲-۳. سایر جنگ‌ها و فتوحات

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر بر آن شد تا سپاه/سامه را که با سرپیچی از فرمان پیامبر، هنوز حرکت نکرده بودند، به همان مقصد تعیین شده اعزام نماید.^۵ افزون بر این لشکرکشی، پایان یافتن جنگ‌های رده سرآغاز دوره فتوحات زمان ابوبکر گردید. به نظر می‌رسد این تحرکات نظامی در جهت تثبیت حکومت نوپای ابوبکر و بهترین راهکار برای برون‌رفت از دامنه گسترده آشوب‌های داخلی و به بیرون کشاندن ظرفیت خطرآفرین معترضان مدینه بوده است.^۶ غنایم به‌دست‌آمده از این جنگ‌ها نیز عامل مهمی در تأمین منابع اقتصادی موردنیاز حاکمیت جدید بود.

۱. محمد بن علی صدوق، الخصال، ص ۴۶۵.

۲. سلیم بن قیس الهمدانی، کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۵۱.

۳. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۸، ص ۲۷۹؛ علی بن محمد بن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ج ۱، ص ۲۴۳.

۴. عبدالله بن محمد بن ابی شیبه، المصنف، ج ۱۰، ص ۳۰۲؛ حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۴.

۵. محمد بن عمر واقفی، المغازی، ج ۲، ص ۱۱۲۲.

۶. احمد بن داود دینوری، الأخبار الطوال، ج ۱، ص ۳۴.

حضور افرادی از بنو مَحَارِب و بنو حارث در این جنگ‌ها تأثیر فراوانی در پیشبرد اهداف نظامی و به تبع آن، اهداف سیاسی و اقتصادی پیش‌گفته داشت. بنا بر گزارش‌ها، فتح بیشتر مناطق شام به فرماندهی ابو عبیده از بنو حارث صورت گرفت.^۱ او در جنگ «اجنادین» (۱۳ هجری) علیه رومیان نیز شرکت داشت^۲ و در یرموک نیز زیر نظر خالد بن ولید، قلب لشکر را فرماندهی می‌کرد. او تا پایان عمر در فتوحات حضور داشت.^۳ پسر برادر او، ضحاک بن قیس نیز در «مَرَجِ رَاهِط»^۴ تحت فرماندهی عمرو بن عاص در نبرد با رومیان شرکت داشت.^۵

از قبیله بنو مَحَارِب نیز از ضرار بن خطاب در فتح اجنادین در سال سیزده^۶ یا پانزده^۷ و فتح حیره در سال دوازده هجری به فرماندهی خالد بن ولید^۸ نام برده شده است. در همین سال خالد بن ولید او را به «سیب» فرستاد و او تا ساحل دجله پیشروی کرد.^۹

۴-۲. امارت شهرها

افزون بر شرکت در جنگ‌ها و فرماندهی نظامی، افرادی از بنو حارث را در نقش فرمانداران حکومت/ابوبکر نیز می‌توان یافت، هرچند از حضور افرادی از بنو مَحَارِب در این دوره گزارشی به ما نرسیده است. برای نمونه، از قبیله بنو حارث/ابو عبیده جراح اولین مسئول بیت‌المال/ابوبکر گفته شده است^{۱۰} که در سال ۱۳ هجری نیز به امارت حِمص^{۱۱} و شامات^{۱۲} منصوب گردید. عیاض بن عَنَم نیز فرماندار/ابوبکر در دومة الجندل^{۱۳} بود و در جریان رفتن خالد بن ولید به عین التمر در سال ۱۲ هجری جانشین وی در حیره شد.^{۱۴}

۱. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمييز الصحابة، ج ۳، ص ۴۷۵.

۲. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۱۷.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۹۳.

۴. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۲۶۷.

۵. احمد بن ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۱۰۰.

۶. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳۴.

۷. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۱۸.

۸. همان.

۹. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۷۱.

۱۰. جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۸۹.

۱۱. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۷، ص ۶.

۱۲. محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۵.

۱۳. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۲۱.

۱۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۸۰.

۳. نقش بنو حارث و بنو محارب در خلافت عمر بن خطاب (۲۳-۱۳ هجری)

ویژگی مهم دوران حکومت خلیفه دوم گسترش چشمگیر فتوحات است. بررسی نقش آفرینی این دو بطن در مناصب مهم سیاسی و نظامی حکومت عمر، تأثیر مهم آنان در تثبیت حکومت، پیشبرد اهداف سیاسی و تأمین منافع اقتصادی حاصل از غنایم، جزیه و خراج را روشن خواهد ساخت.

۱-۳. فتوحات

آورده‌های اقتصادی و سیاسی فتوحات افزون بر توسعه و گسترش، به تثبیت خلافت خلفای نخستین نیز کمک می‌کرد. از این رو این مسئله مورد اهتمام خلفای نخستین بود و حضور مؤثر هر چه بیشتر قبایل را طلب می‌کرد.

در مقایسه با جنگ‌های رده، در فتوحات دوران عمر بن خطاب افراد بیشتری از بنو حارث و بنو محارب به فعالیت‌های نظامی مشغول شدند که یکی از علل آن، گسترش بیشتر فتوحات بود. بیشترین تحرکات نظامی در منطقه شمال جزیره العرب توسط حبیب بن مسلمة از بنو محارب صورت گرفت.^۱ وی به صورت مداوم در فتوحات زمان خلیفه دوم و سوم حضور داشت، ولی از شرکتش در فتوحات دوران ابوبکر گزارشی در دست نیست. او در شام سُکنا گزید و فعالیت‌های نظامی و دیپلماتیک فراوان او در مناطق بیزانس سبب شد تا به «حبیب الروم» و «حبیب الدُّرُوب» ملقب گردد.^۲

برای ارائه گزارش مختصری از فتوحات حبیب بن مسلمة باید از سال ۱۳ هجری آغاز کنیم که «غوطه» در اطراف دمشق را تحت فرماندهی خالد بن ولید فتح کرد.^۳ سپس در محرم سال ۱۴ هجری در واقعه «مَرَج الصُّفَر» فرمانده سپاه مسلمین بود^۴ و در سال ۱۵ هجری فرماندهی مقدمه سپاه یزید بن ابی سفیان در نبرد با رومیان را بر عهده داشت و «قیساریه» را فتح کرد.^۵

او در همین سال در نبرد یرموک به فرماندهی ابوعبیده جراح شرکت جست^۶ و پس از آن فرماندهی دسته‌ای از سواران برای تعقیب دشمن را به عهده داشت.^۷ فتح جُرمه در سال ۱۵ هجری،^۸ مَلَطِیْه،^۹ بَطْنان، سَمِیْساط، قَرْقِیْسِیاء،^{۱۰} جزیره در سال ۱۷ هجری،^{۱۱} ارمنستان و آذربایجان در سال ۲۲ هجری،^{۱۲} فتح دژهای بَطْنان معروف به «بَطْنان حبیب»،^{۱۳} دژ زَیْطَرَه متعلق به رومیان^{۱۴} و دژ حَدَث^{۱۵} نیز از جمله موفقیت‌های نظامی اوست.

۱. علی بن ابی‌بکر هبشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱۰، ص ۱۱.

۲. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۰۲.

۴. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۹۹.

۵. احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۲۵۴.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۰۲.

۷. احمد بن یحیی بلادری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۱۶۱.

۸. همان، ص ۳۲۸.

۹. همان، ص ۲۲۱.

۱۰. همان، ص ۲۰۸.

۱۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۵۷.

۱۲. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۲۰.

۱۳. احمد بن یحیی بلادری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۳۲۸.

۱۴. همان، ص ۲۲۸.

۱۵. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۷.

ضحاک بن قیس یکی دیگر از افراد بنو محارب در فتح دمشق در سال ۱۳ یا ۱۴ هجری حضور داشت و پس از آن ساکن آن دیار گردید.^۱ وی همچنین تحت فرماندهی یزید بن ابی سفیان، فرماندهی جناح چپ سپاه را در فتح قیساریه به عهده داشت.^۲

سوید بن کلثوم نیز در فتح حِمص و دمشق^۳ و ضرار بن خطاب در فتح قادسیه در سال ۱۴ هجری^۴ و فتح ماسَبَدان در سال ۱۶ هجری^۵ حضور داشتند.

مستورد بن شلاد نیز که در فتح مصر در سال ۲۰ هجری شرکت داشت، در همان دیار سُکنا گزید.^۶ برخی از قبایله بنو حارث نیز در این دوره نقش فعالی داشته‌اند. اولین شخصیت از این قبایله ابو عبیده جراح است که نزد عمر بن خطاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود،^۷ تا آنجا که عمر می‌خواست او را جانشین خود قرار دهد.^۸ عمر پس از رسیدن به خلافت، ابو عبیده جراح را به فرماندهی لشکر مسلمانان در فتح «فِجَل» در سال ۱۳ هجری منصوب کرد.^۹ او سپس عازم حِمص شد و در میانه راه با اهالی بعلبک و بُلُقَاء^{۱۰} و مَآب^{۱۱} پیمان صلح نوشت و پس از آن حِمص را فتح کرد.^{۱۲} و سپس به فتح حماة، شَیْزَر، مَعْرَةَ النُّعْمَان و لاذقیه همت گماشت و با اهل آن پیمان صلح امضا کرد.^{۱۳} فتح بَصْرَى^{۱۴} و یرموک در سال ۱۳ هجری^{۱۵} و در نهایت، فتح بیت المقدس نیز توسط او صورت پذیرفت.^{۱۶}

۱. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۲۶۷؛ علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۲۴، ص ۲۸۱.
۲. احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۱۰۰.
۳. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۳، ص ۱۸۹.
۴. علی بن ابی‌الکرم، ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۸۲.
۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۳.
۶. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۷۲.
۷. همان، ج ۳، ص ۴۷۵-۴۷۸.
۸. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۲؛ علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۲۷، ص ۳۱۹.
۹. احمد بن یحیی بالذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۰. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۰۵.
۱۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۰۱.
۱۲. احمد بن یحیی بالذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۳. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۹۲.
۱۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۱۰.
۱۵. همان، ص ۴۹۹.
۱۶. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۵۰۰.

شخصیت مهم دیگر عیاض بن غنم است، از اشراف قریش^۱ که بسیار مورد توجه عمرین خطاب بود.^۲ عیاض در فتح دمشق در سال ۱۳ هجری فرمانده سواره نظام،^۳ و در فتح فحل در سال ۱۳ هجری فرمانده پیاده نظام،^۴ و در فتح حلب و قورس در سال ۱۵ هجری فرمانده مقدمه سپاه ۴۹۶ بود.^۵ او در فتح عموم بلاد جزیره و رقه در سال ۱۸ نیز نقش مؤثری داشت^۶ و در فتح مدائن در کنار سعد بن ابی وقاص حاضر بود.^۷ فتح حران، الرهاء، سُمیسطا، سروج، رأس کَیفا و البیضاء در سال ۱۸ هجری و فتح تل حوزن، آمد، میافارقین، کَفرتونا، نصیبین، طور عبدین، حصن ماردین، الروزان، ارزن، بدلیس و بخش هایی از ارمینیه نیز به او نسبت داده شده است.^۸ او اولین کسی است که از منطقه «الدُّرب» روم گذشت و تا عمق سرزمین روم پیش رفت.^۹

از دیگر فرماندهان بزرگ فتوحات، نافع بن عبدالقیس است. او تا زمان خلافت عثمان زنده بود و برخی از گزارش ها حاکی از حضور وی در کنار عمرو بن عاص در فتح مصر است.^{۱۰} عقبه بن نافع نیز از نزدیکان عمرو بن عاص بود^{۱۱} و در دوران حکومت عمر، عثمان و معاویه به فرماندهی فتوحات و امارت بر شهرها منصوب بود و تحت فرماندهی عمرو بن عاص در فتح مصر^{۱۲} و افریقیه (کشور تونس امروزی) شرکت داشت.^{۱۳}

در پایان باید از مستورد بن شداد بن عمرو بن حسل فهّری نام برد که از جمله صحابه ای بود که در فتح مصر در سال ۲۰ هجری شرکت داشت و در همان جا سکونت اختیار کرد.^{۱۴}

۱. محمد بن عبدالله نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۸۹.

۲. احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۳۴۵ و ۳۴۸.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۲۶.

۴. همان، ص ۶۳۹.

۵. علی بن ابی الکرّم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۹۵.

۶. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۲۳۳.

۷. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم، ج ۴، ص ۳۳.

۸. علی بن ابی الکرّم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۵۳۳.

۹. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۲۳۳.

۱۰. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۳۲۲.

۱۱. علی بن ابی الکرّم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۴۰۶.

۱۲. همان، ص ۴۱۶.

۱۳. همان، ص ۲۰.

۱۴. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۷۶.

در کنار نقش نظامی بنو محارب و بنو حارث در تثبیت خلافت عمر بن خطاب، افرادی از این دو قبیله در ابعاد سیاسی نیز با او همراهی داشتند. از بنو محارب باید از حبیب بن مسلمة نام برد که پس از فتح شامات در سال ۱۵ هجری از سوی ابو عبیده جراح به ولایت حمص منصوب گردید.^۱ او مدتی پس از برکناری عیاض بن غنم والی جزیره، ارمینیه و آذربایجان گردید، هر چند برخی فرمانداری او بر آذربایجان را در دوره خلافت عثمان ذکر کرده‌اند.^۲ حبیب بن مسلمة پس از فتح انطاکیه برای بار دوم، توسط ابو عبیده جراح به عنوان حاکم این شهر منصوب شد.^۳ در همین زمان، افراد دیگری از بنو محارب به ولایت شهرها دست یافتند. سوبین کثوم و فرزندش محمد از این جمله‌اند که از طرف ابو عبیده ولایت دمشق را عهده‌دار شدند.^۴ ضرار بن خطاب نیز به امارت ماسبندان (یکی از مناطق کوفه) دست یافت.^۵

از والیان بنو حارث می‌توان به ابو عبیده جراح اشاره کرد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، عمر بن خطاب پس از مرگ ابوبکر، خالد بن ولید را از ولایت شامات برکنار و ابو عبیده را به جای او منصوب کرد.^۶ او در سال ۱۷ هجری ولایت حمص را نیز عهده‌دار شد و خالد تحت نظر او بر قنسرین حکمرانی می‌کرد.^۷ اعتماد عمر بن خطاب به قدرت مدیریتی ابو عبیده به قدری بود که در ماجرای شورای شش نفره گفته بود: «اگر ابو عبیده زنده بود او را به خلافت منصوب می‌کردم».^۸

عیاض بن غنم از دیگر چهره‌های سیاسی بنو حارث و کاتب عمر و عامل او در شام بود.^۹ عیاض در سال ۱۸ هجری ولایت حمص و قنسرین و جزیره را بر عهده گرفت^{۱۰} و پس از مرگ ابو عبیده جراح در سال ۲۰ به جانشینی او در دمشق منصوب گردید.^{۱۱} در همین دوره، عقبه بن نافع نیز از طرف عمرو بن عاص والی مصر، حکومت افریقیه را به دست آورد.^{۱۲}

۱. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۳۲، ص ۱۰؛ ج ۲۶، ص ۲۰۲.

۲. علی بن ابی‌الکریم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۷۴؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳. احمد بن یحیی بلادری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۳۲۸؛ یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۲۹.

۴. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۳، ص ۱۸۹.

۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۵۲.

۶. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۶.

۷. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۶.

۸. همان، ج ۲، ص ۵۸۰.

۹. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۴۷، ص ۲۷۲.

۱۰. احمد بن یحیی بلادری، انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۷۲.

۱۱. محمد بن عبدالله نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۹۰.

۱۲. علی بن ابی‌الکریم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۴۲۰.

۴. نقش بنو حارث و بنو مُحارب در خلافت عثمان بن عفان (۳۵-۲۳ هجری)

در سال ۲۳ هجری عثمان بن عفان در پی شورای تشکیل شده از سوی عمر به قدرت رسید. در این زمان، الگوی جدید حاکمیت بر امت اسلامی تقریباً تثبیت شده بود و گسترش فتوحات رونق اقتصادی، به‌ویژه برای اهل مدینه به ارمغان آورده بود. از این رو به نظر می‌رسد عثمان خود را نیازمند به‌کارگیری نیروهای توانمند برای ایجاد ثبات در حکومت نمی‌دید و بیشتر فرمانداران شهرها و فرماندهان جنگی بر اساس شاخصه اموی‌گرایی تغییر کردند.^۱

از سوی دیگر، برخی فرماندهان نظامی مهم از دو قبیله بنو حارث و بنو مُحارب، مانند ابو عبیده، ضرار بن خطاب و عیاض بن غنم در این زمان زنده نبودند.^۲ بنابراین طبیعی است که حضور این دو قبیله در مناصب نظامی و سیاسی این دوره کم‌رنگ باشد.

۱-۴. فتوحات

فتوحات دوره عثمان عمدتاً در جهت تثبیت و یا گسترش فتوحات پیشین بود. بنو حارث و بنو مُحارب حضوری کمتری در این دوره داشتند. اما همین افراد اندک نیز نقش مهمی در تأمین اهداف نظامی، سیاسی و اقتصادی این جنگ‌ها ایفا کردند.

از بنو مُحارب باید از حبیب بن سَلَمَه نام برد که حضوری فعال در فتوحات شام و روم داشت.^۳ او به امر معاویه - یا عثمان - مناطق ارمینیه (ارمنستان) را فتح کرد.^۴ حبیب بن سَلَمَه پس از این فتح و احساس خطر از ناحیه رومیان با آنان وارد جنگ شد و شکست سختی بر آنان وارد کرد و غنائم فراوانی به‌دست آورد.^۵ فتح ارجیس، باجنیس، ذبیل،^۶ سیسجان،^۷ نخجوان،^۸ تفلیس،^۹ شمشاط،^{۱۰} ملطیه برای بار دوم،^{۱۱} خِلاط و سراج و وادی مطامیر،^{۱۲} جُرزان (گرجستان شرقی)،^{۱۳} بایس و قاصرین،^{۱۴} نَسَوی (نخجوان)^{۱۵} نیز بخشی از فتوحات او به شمار می‌رود.

۱. رضا کردی، «بررسی مقایسه‌ای نقش دو تیره بنی‌فهر در تحولات صدر اسلام (با تکیه بر عملکرد صحابیان آنها)»، ص ۶۷-۹۰.

۲. محمد بن عبدالله نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۶۵؛ محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۴۱۷؛ ج ۵، ص ۴۵۴.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۵۶.

۴. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ص ۵۸۹؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۱۸.

۵. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۳۲۸.

۶. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۳۹.

۷. همان، ج ۳، ص ۲۹۷.

۸. احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۳۴۶.

۹. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱۱، ص ۵۶؛ یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۶.

۱۰. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۱۱. همان، ص ۲۲۱.

۱۲. محمد بن حبان ابن حبان، الثقات، ج ۲، ص ۲۵۲.

۱۳. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۸؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۱۸.

۱۴. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۱۷۷.

۱۵. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۸۷.

از قبیله بنو حارث در فتوحات زمان عثمان نیز نام عبدالله بن نافع بن عبدالقیس و عبدالله بن نافع بن حصین به چشم می‌خورد که در سال ۲۷ هجری افریقیه و اندلس را گشودند.^۱ نافع بن عبدالقیس در فتح «توبه» نیز در کنار عمرو بن عاص حضور داشت.^۲ از حضور عقبه بن نافع در فتح طرابلس و افریقیه در سال ۲۶ هجری نیز مدارکی در دست است.^۳

۲-۴. امارت شهرها

در دوره حکومت عثمان، نقش آفرینی سیاسی عمدتاً در انحصار خاندان اموی قرار گرفت و قبایل دیگر سهم ناچیزی در آن یافتند. از بنو محارب تنها می‌توان از حبیب بن مسلمه والی آذربایجان^۴ و قسیرین^۵ نام برد. از بطن بنو حارث نیز تنها از عبدالله بن نافع بن عبدالقیس یاد شده است که در سال ۲۷ هجری به ولایت افریقیه دست یافت.^۶

۳-۴. ماجرای قتل عثمان

آخرین رویداد مهم در دوره عثمان، به درازا کشیدن اعتراضات مردمی نسبت به بدعت‌ها، شیوه حکومت‌داری و انحصارگرایی اموی اوست که سرانجام منتهی به ماجرای محاصره خانه و کشته شدن او گردید.^۷ در حوادث سال‌های ۳۵ و ۳۶ هجری در میان معترضان، نامی از افراد قبیله بنو حارث و بنو محارب وجود ندارد، بلکه در مقابل، از نقش برخی از آنان در دفاع از وی سخن گفته شده است. یکی از این افراد ضحاک بن قیس است. او نقش آفرینی نظامی و سیاسی در دوره خلافت عثمان نداشت، اما به شدت از عثمان حمایت می‌کرد و از سب‌کنندگان عثمان خشمگین بود.^۸

نمونه دیگر زیاد بن نعیم فهّری است که جزو صحابه نیز به شمار آمده است.^۹ او که از بزرگان اصحاب عثمان است، در ماجرای محاصره خانه و قتل عثمان حضوری فعال داشت و حتی گفته شده در این روز به قتل رسیده است.^{۱۰}

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۲؛ علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۹۳.

۲. عبدالرحمن بن عبدالله عبدالحمک قرشی مصری، فتوح مصر و أخبارها، ص ۲۹۳.

۳. عبدالرحمن بن محمد ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۲، ص ۵۷۴.

۴. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البداية و النهایه، ج ۷، ص ۲۵۴.

۵. محمد بن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۲۹۴.

۶. علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۹۳.

۷. رک: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری.

۸. عبدالحمید بن هیبة‌الله بن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۲۱.

۹. یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصباح، ج ۲، ص ۵۳۴؛ علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۱۸؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۴۸۶.

۱۰. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البداية و النهایه، ج ۷، ص ۲۱۰؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۱۴.

۵. نقش بنو حارث و بنو موحارب در خلافت حضرت علی علیه السلام (۴۰-۳۵ هجری)

به قدرت رسیدن امام علی علیه السلام در واقع، بازآفرینی الگوی حکمرانی نوی بود و به طور طبیعی صاحبان قدرت و نفوذ در دوره سه خلیفه پیشین، جایی در آن نداشتند. در میان فرمانداران و فرماندهان نظامی حکومت امام علی علیه السلام نشانی از بنو حارث و بنو موحارب نیست. در بخش سقیفه و شکل‌گیری الگوی جانشینی انتخابی بیان شد که این دو بطن نه تنها حمایتی از امام نداشتند، بلکه افرادی از آنان از همان دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله با جانشینی امام مخالف بودند. بنابراین، در مجموع به نظر می‌رسد ارتباطات وثیقی میان آنان و امام وجود نداشته است. نقش بنو حارث و بنو موحارب در این دوره را باید بیشتر به صورت سلبی بازخوانی کرد و از نقش این دو قبیله در تضعیف حکومت امیرمؤمنان علیه السلام و تقویت حاکمیت معاویه در دمشق نگاشت.

۱-۵. جنگ‌ها

دوره پنج‌ساله حکومت امام علی علیه السلام با جنگ‌های پی‌درپی جمل، صفین و نهروان و غارات معاویه همراه بود. گزارش‌های اندکی از حضور بنو حارث و بنو موحارب در سپاه امام علی علیه السلام در این جنگ‌ها وجود دارد. در جنگ جمل تنها از فردی گمنام^۱ و نیز عمرو بن ابی عمرو بن شداد صحابی یاد شده که در این جنگ به شهادت رسیده است.^۲ در گزارشی از همراهی گروهی از بنو موحارب با امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ صفین سخن گفته شده است.^۳ منابع شیعی از شخصیتی به نام مُسْتَوْرِدِ بْنِ شَدَادِ فِهْرِي نیز در میان اصحاب حضرت علی علیه السلام نام برده‌اند که پیش‌تر بدان اشاره شد.^۴

اما نقش آفرینی این دو بطن در جناح مقابل، یعنی سپاه معاویه بسیار است. از معدود صحابه حاضر در سپاه معاویه، حبیب بن مَسْلَمَه است.^۵ او همواره به حمایت از معاویه مشغول بود و در جنگ‌ها او را همراهی می‌کرد.^۶ حبیب در توطئه و تحریک معاویه برای تبعید ابوذر غفاری از شام دخالت داشت.^۷ هنگامی که عثمان از حاکمان مناطق گوناگون برای خاموش ساختن شورشیانی که قصد جان او را داشتند، یاری طلبید، معاویه حبیب را برای کمک به عثمان فرستاد.^۸

۱. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۴۱.

۲. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۱۹۵.

۳. احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۳، ص ۷۳.

۴. سیدمحسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۵.

۵. محمد بن احمد ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۱، ص ۳۰.

۶. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۳۰.

۷. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۴۳.

۸. علی بن ابی‌الکریم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۸۲؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۵۴.

حبیب قبل از جنگ صفین از طرف معاویه نزد حضرت علی علیه السلام رفت و سعی داشت از آن حضرت اقراری مبنی بر مظلومیت عثمان بگیرد تا مردم را علیه آن حضرت بشوراند.^۱ او در صفین، فرمانده جناح چپ لشکر معاویه بود.^۲ همراهی او با معاویه سبب شد تا امام حسن علیه السلام به شدت او را مذمت کند.^۳

حضرت علی علیه السلام نیز پس از به نیزه زدن قرآن توسط شامیان، لشکریان خود را به قتال با دشمن فراخواند و معاویه، عمرو بن عاص، حبیب بن مسلمه و ضحاک بن قیس را شریک‌ترین افراد معرفی کرد که قرآن را تلاوت می‌نمایند، ولی به آن عمل نمی‌کنند.^۴

گفته شده است: حضرت علی علیه السلام در قنوت نماز صبح و مغرب، افرادی همچون حبیب بن مسلمه را لعن می‌کرد و آنان نیز آن حضرت را لعن می‌کردند.^۵ او یکی از شاهدان ماجرای حکمیت نیز بود^۶ و در سال‌های پایانی عمرش به نمایندگی از معاویه برای برقراری صلح با امپراتور روم دیدار کرد.^۷

ضحاک بن قیس نیز در صفین در کنار معاویه حضور داشت و بنا بر گزارش‌های رسیده، فرماندهی کل سپاه^۸ و یا فرماندهی کل پیاده‌نظام^۹ و یا فرماندهی مرکز و قلب سپاه شام^{۱۰} را برعهده داشت. ضحاک رئیس نگهبانان نظامی معاویه و کاملاً مورد اعتماد او بود.^{۱۱}

امام علی علیه السلام پیش از جنگ صفین، زجر بن قیس را برای قطع مسیر رساندن خواروار به لشکر شام فرستاد. وقتی معاویه متوجه این ترفند شد، ضحاک بن قیس را برای مقابله با زجر فرستاد، ولی شکست سختی بر ضحاک وارد شد.^{۱۲} او نیز از کسانی است که قبل از جنگ صفین از طرف معاویه به نزد حضرت علی علیه السلام رفت و سعی داشت از آن حضرت اقراری مبنی بر مظلومیت عثمان بگیرد^{۱۳} و مورد ذم و لعن امام قرار گرفت.^{۱۴}

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهايه، ج ۷، ص ۲۸۷.

۲. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهايه، ج ۷، ص ۲۸۹؛ محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۶۹.

۳. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴. احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۳، ص ۱۸۹.

۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۱۳.

۶. علی بن ابی‌الکریم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۲۰.

۷. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۹.

۸. محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۴۱؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهايه، ج ۸، ص ۲۶۷.

۹. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۷.

۱۰. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهايه، ج ۸، ص ۲۶۷؛ علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۳۴، ص ۲۸۰.

۱۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۴۶.

۱۲. عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری، الأخبار الطوال، ج ۱، ص ۲۷.

۱۳. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهايه، ج ۷، ص ۲۸۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳.

۱۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۴؛ ج ۳، ص ۱۱۳؛ احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۳، ص ۸۹.

ضحاک یکی از فرماندهان غارات در زمان معاویه نیز بود^۱ که به همراه ۳۰۰۰ نیرو برای کشتن اهالی عراق و محبان حضرت علی علیه السلام و غارت اموالشان به سوی عراق فرستاده شد. ضحاک از شام خارج شد و در مسیر راه مخالفان معاویه را از بین می‌برد و اموال آنان را غارت می‌کرد. هنگامی که به ثعلبیه رسید، به کاروان حاجیان حمله کرد و اموال آنان را غارت نمود. پس از آن در بین راه، عمرو بن عمیس برادرزاده عبدالله بن مسعود و عده‌ای از همراهان او را که عازم حج بودند، به قتل رساند.^۲

حضرت علی علیه السلام هنگامی که از مأموریت ضحاک بن قیس مطلع شدند، حجرین عدی را با ۴۰۰۰ نیرو برای مقابله با سپاه ضحاک بن قیس فرستادند. در درگیری میان دو سپاه ۱۹ تن از نیروهای ضحاک کشته شدند و ۲ تن از نیروهای حجرین عدی نیز به شهادت رسیدند. ضحاک که شکست خورده بود، از تاریکی شب استفاده کرد و به سوی شام گریخت.^۳

۲-۵. امارت شهرها

همان گونه که اشاره شد، امام علی علیه السلام هرگز امارت شهرها را به بنومحارب و بنوحارث نسپردند. اما در مقابل، افرادی از این دو بطن را می‌توان در میان فرمانداران و والیان مناطق و سرزمین‌های تحت سلطه معاویه دید. از بنومحارب، ضحاک بن قیس از جمله افرادی است که در بُعد سیاسی همواره در جبهه معاویه بود. او قبل از آغاز جنگ صفین، توسط معاویه بر مناطقی از جزیره، شامل حران، رقه، رها و قرقیسا حکومت یافت، ولی با ورود قدرتمندانه مالک اشتر، متحمل شکست سنگینی شد.^۴

نتیجه‌گیری

بنوحارث و بنومحارب دو بطن اصلی آل فُهر هستند که در اطراف مکه زندگی می‌کردند. با وجود برخورداری آنها از جمعیت زیاد، شرایط زندگی بیابان‌نشین و دوری از فرهنگ و تمدن شهری، از مهم‌ترین عوامل عدم توسعه اقتصادی، علمی و فرهنگی این دو بطن، و در مقابل، شکل‌گیری روحیه و توان جنگاوری در آنان بود. این توان نظامی و جمعیت فراوان در کنار پیوندهای نسبی متعدد میان این دو بطن و قبایل تیم و عدی - که دو خلیفه نخست به ترتیب متعلق به این دو هستند - روابط دوستانه میان برخی از آنان مانند ابو عبیده جراح با شخص ابوبکر و عمر و فقدان روابط مستحکم میان آنان با بنوهاشم - به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام - این دو بطن را

۱. علی بن ابی‌الکریم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸.

۲. ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۴۲۲.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۰۴؛ احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۲۱۵.

۴. ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۳۳۳؛ احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۴۹۳.

به دو گزینه مناسب برای نقش‌آفرینی در فرایند شکل‌دهی و تثبیت جانشینی سه خلیفه نخستین توسط جریان حاکم پس از رحلت رسول خدا ﷺ تبدیل کرد.

وضعیت اقتصادی، علمی و فرهنگی این دو بطن به‌گونه‌ای نبود که در ابعاد اقتصادی و فرهنگی مسئله جانشینی ایفای نقش کنند، جز آنکه می‌توان از تأثیر حضور آنان در پیشبرد فتوحات - به‌ویژه در دوره/بویکر و عمر - سخن گفت که نقش مهمی در دستیابی به منابع مالی فراوان حاصل از غنیمت‌ها، جزیه و خراج داشته است. بنابراین، بنو حارث و بنو مَحَارِب عمدتاً سربازان و فرماندهان نظامی قدرتمندی بودند که غیرمستقیم در بعد اقتصادی در حاکمیت خلفای نخستین ایفای نقش می‌کردند. بنا به سنت آن دوران، این نیروهای نظامی ممکن بود به ولایت سرزمین‌های فتح‌شده گماشته شوند و نقش‌های سیاسی را نیز عهده‌دار گردند.

نقش‌آفرینی سیاسی و نظامی افرادی از این دو بطن از نخستین مراحل شکل‌گیری خلافت نخستین در ماجرای «صحیفه ملعونه» و سپس سقیفه گزارش شده است. ابو عبیده در کنار/بویکر و عمر از ارکان سه‌گانه سقیفه بود و پس از آن، با همراهی افراد دیگری از قبیله‌اش در بیعت گرفتن اجباری برای/بویکر دخیل بود. او با لایق‌تر نشان دادن/بویکر برای حکومت و شهادت به احادیث دروغینی درباره مسئله جانشینی، تلاش فراوانی در مشروعیت بخشیدن به خلافت/بویکر و کنار گذاشته شدن امام علی علیه السلام انجام داد.

در جنگ‌های رده و فتوحات دوره/بویکر نیز این دو بطن حضور داشتند و برخی همچون ابو عبیده و عیاض بن غنم به امارت شهرها دست یافتند. در مجموع، از میان ۲۳ کارگزار اصلی/بویکر، سه تن (۱۲.۵٪) از این دو بطن هستند.

شمار افراد این دو بطن به هشت تن (۱۸.۶٪) از ۳۷ کارگزار دوره حکومت عمر در سمت‌های سیاسی و نظامی فزونی یافت. پیشینه موفقیت‌آمیز حضور آنان در دوره/بویکر و شکل‌گیری دیدگاه مثبت نسبت به آنان نزد عمر، گسترش چشمگیر فتوحات و در نتیجه، نیاز بیشتر به نیروی انسانی کارآمد برای اداره جنگ‌ها و فرمانداری سرزمین‌های گشوده شده را می‌توان از علل این امر دانست.

افرادی همچون حبیب بن مسلمه، ابو عبیده، ضحاک بن قیس و عیاض بن غنم سمت‌های مهم نظامی و سیاسی این دوره را به عهده گرفتند. باید توجه داشت معمولاً تنها اسامی افراد مهم و فرمانداران و فرماندهان در گزارش‌های تاریخی ثبت شده است و مناسبات قبیلگی آن دوران اقتضا می‌کند که وقتی یک تن از این دو بطن به چنین مناصبی دست یافته است، افراد دیگری از خویشان و هم‌بطنی‌های خود را در رده‌های پایین‌تر به کار گرفته باشد.

در دوره عثمان، سیاست اموی‌گرایی سبب شد نقش بنو حارث و بنو مَحَارِب در حکومت وی کمرنگ شود و تنها دو تن (۵.۴٪) از ۳۵ کارگزار این دوره از بنو حارث و بنو مَحَارِب انتخاب شوند. با این حال، روشن است که - دست کم - افرادی از آنان همچنان از جریان حاکم پشتیبانی می‌کردند و هیچ‌گاه در زمره مخالفان و معترضان عثمان قرار نگرفتند، بلکه تا زمان قتل وی مصرانه به دفاع از او پرداختند.

با آغاز حکومت امام علی علیه السلام قدرت سیاسی و نظامی بنوحرث و بنومُحارب در دشمنی با امام و حمایت از معاویه جهت‌دهی شد. تأثیر نظامی افرادی همچون حبیب بن مسلمه، ضحاک بن قیس و عقبه بن نافع در جنگ صفین و غارات معاویه علیه امام کاملاً مشهود است.

بنابراین، در مجموع باید بنوحرث و بنومُحارب را از گروه‌های تأثیرگذار در ابعاد نظامی و سیاسی شکل‌گیری و تثبیت حکومت سه خلیفه نخست و تضعیف اجتماعی، سیاسی و نظامی جانشینی امام علی علیه السلام از همان دوره پیامبر صلی الله علیه و آله تا پایان حکومت امام دانست. در جدول ذیل می‌توان نگاهی اجمالی به حضور آنان در حکومت‌های اسلامی سال‌های ۱۱-۴۰ هجری انداخت.

جدول ۲: میزان حضور بنوحرث و بنومُحارب در میان کارگزاران دوره‌های نخستین خلافت اسلامی^۱

اسامی فرماندهان نظامی	اسامی فرمانداران شهرها		تعداد کارگزاران بنوحرث و بنومُحارب	تعداد کل کارگزاران	دوره
	بنومُحارب	بنوحرث			
بنومُحارب بنوحرث	بنومُحارب	بنوحرث	۱. ابوعبیده (خزانه‌دار و امارت حمص و شامات) ۲. عیاض بن غنم (دومة الجندل)	۳ تن (%۱۲.۵)	۲۴ ابوبکر بن ابی قحافه (۱۱-۱۳)
۱. حبیب بن مسلمه ۲. ضحاک بن قیس	عیاض بن غنم	۱. حبیب بن مسلمه (آذربایجان / جزیره / حمص / ارمینیه) ۲. سوید بن کلثوم (حمص) ۳. محمد بن سوید بن کلثوم (حمص) ۴. ضرار بن الخطاب (ماسبذان)	۱. ابوعبیده (شامات/ حمص) ۲. عیاض بن غنم (کاتب عمر / عامل شام) ۳. عقبه بن نافع (افریقیه از طرف عمرو بن عاص)	۸ تن (%۱۸.۶)	۴۳ عمر بن خطاب (۱۳-۲۳)
حبیب بن مسلمه	عبدالله بن نافع بن عبدالقیس	۱. حبیب بن مسلمه (آذربایجان) ۲. عبدالله بن نافع بن عبدالقیس (افریقیه)		۲ تن (%۵.۴)	۳۷ عثمان (۲۳-۳۵)
					۳۸ امام علی <small>علیه السلام</small> (۲۵-۴۰)
۱. حبیب بن مسلمه ۲. ضحاک بن قیس	عقبه بن نافع	۱. ضحاک بن قیس (کوفه / دمشق)	۱. عقبه بن نافع (مغرب)	۳ تن (%۷.۶)	۳۹ معاویه (۳۵-۴۰)

۱. اعداد مربوط به کل کارگزاران در سه دوره نخست، از مقاله «معیارشناسی نظام کارگزاری خلفای سه‌گانه» (ص ۸۳-۸۸) استخراج شده که با توجه به کشف موارد تازه‌ای طی این پژوهش، به شکل اصلاح‌شده در این جدول ارائه گردیده است.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثانية، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ق.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، *المصنف فی الأحادیث و الآثار*، تحقیق سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، *اسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ*، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- ابن اعثم کوفی، احمد بن، *الفتوح*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان، *التقاة*، حیدرآباد الدکن - الهند، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الإصابة فی تمييز الصحابه*، تحقیق احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، ط. الرابع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۰م.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، ط. الرابع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن سعد، محمد بن، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، بی تا.
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، *الفصول المهمه فی معرفه الأئمه*، تحقیق سامی الغزیری، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب*، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالوجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ دمشق الکبیر*، تحقیق علی عاشور الجنوبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایه*، تحقیق احمد ابوملحم و دیگران، ط. الخامسة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
- ابوعبید، قاسم بن سلام، *النسب*، تحقیق درع، مریم محمد خیر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- امین عاملی، سید محسن، *اعیان الشیعہ*، تحقیق حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
- بغدادی، محمد بن حبیب، *المحبر*، بی جا، مطبعة الدائرة، ۱۳۶۱ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- ____، *فتوح البلدان*، تحقیق صلاح الدین المنجد، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۹۵۶.
- پیرمادیان، مصطفی و مهدی عزتی، «ساکنان مکه (تأملی بر چگونگی ساکنان مکه و میزان جمعیت قریش در آستانه ظهور اسلام)»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۱۳۹۳، سال پنجم، ش ۱۴، ص ۱۱۱-۱۳۶.
- تقفی، ابراهیم بن محمد، *الفارات*، تحقیق سید جلال الدین حسینی ارموی، بی جا، بی تا.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ط. الثانية، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
- خلیفه بن خیاط، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق مصطفی نجیب فواز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- دینوری، احمد بن داود، *الأخبار الطوال*، تحقیق عصام محمد الحاج علی، ط. الثانية، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۲.
- ذهبی، محمد بن احمد، *العبر فی خبر من غیر*، تحقیق ابوهاجر محمد السعید بن بسیونی زغول، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ____، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق شیب الأرنؤوط، ط. الحادية عشر، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.
- زرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، ط. الخامسة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰.
- سلیم بن قیس الهلالی، *کتاب سلیم بن قیس*، تحقیق محمد باقر انصاری، چ پنجم، قم، دلیل ما، ۱۴۲۸ق.

- سمعانى شافعى، عبدالكريم بن محمد، *الأسباب*، تعليق عبدالله عمر البارودى، بيروت، دارالحنان للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۰۸ق.
- سيوطى، جلال الدين، *تاريخ الخلفاء*، تحقيق لجنة من الأدباء، عباس احمد الباز، مكة المكرمة، دارالتعاون، بى تا.
- صدوق، محمد بن على، *الخصال*، تحقيق على اكبر غفارى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ۱۴۰۳ق.
- طبرانى، سليمان بن احمد، *المعجم الكبير*، تحقيق حمدى عبدالمجيد، ط. الثانية، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
- طبرسى، احمد بن على، *الاحتجاج*، تعليقات سيد محمد باقر خراسان، نجف، النعمان، ۱۳۸۶ق.
- طبرى، محمد بن جرير، *تاريخ الأمم والملوك (تاريخ طبرى)*، ط. الثانية، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸ق.
- عزيزى، نبى الله و محمدرضا جبارى، «مبيارشناسى نظام كارگزارى خلفاى سه گانه»، *تاريخ اسلام در آينه پژوهش*، ۱۳۹۸، سال شانزدهم، ش ۱، ص ۸۳-۸۸.
- قرشى مصرى، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله عبدالحكم، *فتوح مصر و أخبارها*، تحقيق محمد الحجيرى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۶ق.
- قرطبى، محمد بن احمد، *الجامع لاحكام القرآن*، تحقيق احمد عبدالعليم البردونى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵ق.
- قىمى، على بن ابراهيم، *تفسير القمى*، تحقيق، تصحيح، تعليق و تقديم سيدطيب موسوى جزائرى، چ سوم، قم، مؤسسه دارالكتاب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
- كردى، رضا، «بررسى مقابسه‌اى نقش دو تيره بنى فخر در تحولات صدر اسلام (با تكيه بر عملكرد صحبايان آنها)»، *تاريخ و تمدن اسلامى*، ۱۳۹۳، ش ۱۹، ص ۳-۳۰.
- كلىنى، محمد بن يعقوب، *الكافى*، تحقيق على اكبر غفارى، چ پنجم، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ق.
- كحاله، عمر رضا، *معجم قبائل العرب*، ط. الثانية، بيروت، دارالعلم للملايين، ۱۳۸۸ق.
- كورانى، على، *صراع قریش مع النبى ﷺ*، قم، دارالمهدى، ۱۴۲۷ق.
- مونس، حسين، *تاريخ قریش*، ترجمه عليرضا شىخى، مشهد، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۳۹۵.
- نوبختى، حسن بن موسى، *فرق الشيعه*، بيروت، دارالأضواء، ۱۴۰۴ق.
- وات، موننگمرى، *محمد فى مكه*، ترجمه عبدالرحمن الشىخ حسين عيسى، مصر، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۲۰۰۲.
- واقدى، محمد بن عمر، *المغازى*، تحقيق مارسدن جونز، چ سوم، بيروت، دانش اسلامى، ۱۴۰۵ق.
- هيشمى، على بن ابى بكر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸ق.
- يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، *تاريخ يعقوبى*، بيروت، دارصادر، بى تا.